



حفظ دین و حفظ نفس؛ یکی از ویژگی‌های متقین در قرآن

محمدعلی انصاری ضمن تفسیر آیه «هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ» توضیح داد که بر اساس آیات قرآن، متقین حافظ دین و نفس خویش هستند.

محمدعلی انصاری ضمن تفسیر آیه «هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ» توضیح داد که بر اساس آیات قرآن، متقین حافظ دین و نفس خویش هستند.

به گزارش ایکننا، جلسه تفسیر قرآن محمدعلی انصاری، مفسر قرآن کریم با محوریت تفسیر سوره ق، شب گذشته بیستم مردادماه به صورت مجازی برگزار شد که خلاصه آن را در ادامه می‌خوانید؛

«وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ مَنُ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْيَلْتَبِ وَجَاءَ يَقْلِبِ مُتَبِئًا؛ و بهشت را برای پرهیزگاران نزدیک گردانند بی‌آنکه دور باشد و به آنان گویند این همان است که وعده یافته‌اند؛ اید [و] برای هر توبه‌‏ کار نگهبان [حدود خدا] خواهد بود آنکه در نهان از خدای بخشنده بترسد و با دلی توبه‌‏ کار [باز] آید»

سخن به اینجا رسید که حضرت حق روی دوم سکه را نشان می‌دهد؛ یعنی در بحث تقسیم انسان‌ها در قیامت، وضعیت گروه نخستین را بازگو کرد، کیفرخواست خوانده شد و شش عنوان مجرمانه را بررسی کردیم که علل فروافتادن در دوزخ است. سخن از گروه دوم مطرح شد. در قبال آن «أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ مَّتَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» قرآن فرمود: «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ» یعنی بهشت به متقین نزدیک می‌شود. توضیح دادیم «ازلفت» از واژه «زلف» به معنای نزدیکی است اما نزدیکی که همراه با شور و اشتیاق است. اشاره شد «غیر بعید» حالی برای نزدیکی است و ممکن است دو معنا در اینجا وجود داشته باشد. یک معنا اینکه این امر، امر مستبعدی نیست و قطعاً چنین است که بهشت برای متقین نزدیک می‌شود. معنای دوم ممکن است به لحاظ زدودن قرب زمانی و مکانی باشد یعنی بدون درنگ این اتفاق می‌افتد. ممکن است غیربعید به لحاظ مکانی معنا پیدا کند یعنی به لحاظ موقعیت و مکان فاصله‌ای میان متقین و بهشت وجود ندارد. چهار ویژگی متقین در قرآن

در ادامه حضرت حق چهار ویژگی در توصیف متقین بیان می‌کند. ابتدا می‌فرماید این بهشت آنی است که برای هر «اواب حفیظ» وعده داده شده است. اولین صفت «اواب» است؛ اواب از اوب می‌آید. اوب در لغت به معنای رجوع و بازگشت به سوی است. کلمه ایوب هم از همین ریشه اوب است و به معنای بنده‌ای است که مدام بازگشت به سوی خدا دارد. تفاوت اوب و رجوع در چیست؟ اوب رجوع به سوی منتهای مقصد است، اگر کسی مدام به مقصد نهایی رجوع دارد اواب است. پس اواب کسی است که مدام مسیر زندگی را به گونه‌ای قرار داده که به سوی خداوند باز می‌گردد و مقصود زندگی خودش را خداوند سبحان قرار داده است.

کلمه حفیظ یعنی کسی که به شدت و پیوسته حفظ می‌کند. متعلق حفظ ذکر نشده است لذا باید به خود قرآن مراجعه کنیم. در کلام الهی دو حفظ وجود دارد و انسان می‌تواند حافظ دو چیز باشد. مورد اول حفظ نفس است که یک مصداق آن حفظ فروج است و غرایز جنسی است. حفظ نفس یعنی انسان توانایی داشته باشد تمنیات و شهوات نفس را در اختیار بگیرد و کنترل کند. نفس انسان باید تربیت و تهذیب شود والا اگر رها شود، سر از وادی اماره بودن و فراخواندن به سوء و زشتی‌ها و پلیدی‌ها در می‌آورد. نفس انسان چموشی‌هایی دارد که نیاز به مهار و کنترل و آموزش دارد. واکنش‌های ما در صحنه‌های مختلف که گاه انتظارش را از خودمان نداریم نشان می‌دهد مراقبت و حفظی بر نفس نبوده است. بنابراین انسان موظف است اگر می‌خواهد مسیر سعادت و کمال را طی کند این نفس که گنجینه بزرگی در وجود انسان است کامل بشناسد و آسیب‌ها و امتیازاتش را بداند.

پس معنای اول حفیظ حفظ نفس است. حفظ دوم، حفظ دین است. ارتباط ما با خداوند دوسویه است. رابطه ما با دین خدا هم دوسویه است یعنی دین عامل حفظ انسان‌ها است و انسان‌ها حافظ دین هستند. در اجزای دین هم همین رابطه دوسویه مطرح می‌شود. به عنوان نمونه، در مورد نماز صفتی در قرآن به کار برده می‌شود که بیانگر همین معناست: «والذین هم علی صلواتهم یحافظون» یعنی مومنین بر نمازهای خودشان محافظ هستند. ما آداب و شرایط و حضور و حال و وقت نماز را حفظ می‌کنیم. در مقابل، نماز هم ما را از فحشا و منکر حفظ می‌کند. به هر مقداری که نماز، نماز باشد به همان مقدار ما را حفظ می‌کند. اگر کسی ده درصد نماز را حفظ کرده است نماز هم ده درصد او را از فحشا و منکر باز می‌دارد.

کلیت دین این است که دین مسیری است که ما را حفظ می‌کند. اگر ما در مسیر دین قرار گرفتیم دین ما را از اشتباهات و

گناهان حفظ می کند. مثلا در اقتصاد از حرامخواری حفظ می کند، در سیاست از استبداد و فساد حفظ می کند و ... پس دین ما را حفظ می کند ولی لازمه آن این است که ما هم دین را حفظ کنیم. حالا چطور می شود دین را حفظ کرد؟ ما یک حفظ علمی داریم یک حفظ عملی. حفظ علمی این است که برای فهم تمام ابعاد دین تلاش کنیم و تحصیل کنیم. حفظ عملی یعنی در مقام عمل هنگامی که به دین خدا هجمه می شود و دشمنان قصد دین می کنند ایستادگی کنیم و در راه دین خداوند جهاد کنیم.